

پناهیان: ابلیس با انواع معنویت علیه معنویت ناب اقدام خواهد کرد/ اگر معنویت، حماسه‌ساز نباشد، علیه

حماسه خواهد بود

پناهیان: اگر معنویت حماسه‌ساز نباشد، علیه حماسه خواهد بود، پس معنویتی که نسبت به حماسه بی تفاوت باشد نخواهیم داشت. معنویت یا ظلم‌ستیزانه و مظلوم‌گرایانه و نجات‌بخش و آزادی‌بخش خواهد بود، یا علیه حماسه و صلابت و سلحشوری، کار خواهد کرد. امروزه بازار معنویت رونق گرفته است و ابلیس طبیعتاً با معنویت علیه معنویت اقدام خواهد کرد، با انواع و اقسام معنویت.

سوگواره هنر و حماسه برای نهمین سال متوالی به همت دانشجویان و فارغ التحصیلان هنر در دانشگاه تهران آغاز شد. این سوگواره از شب هفتم محرم به مدت ده شب آغاز شد. بخش‌هایی از **دومین جلسه** سخنرانی حجت الاسلام و المسلمین علیرضا پناهیان در دانشگاه هنر با موضوع: «**معنویت حماسه ساز و معنویت حماسه‌سوز**» را در ادامه می‌خوانید:

معنویت یا حماسه‌ساز است یا حماسه‌سوز / ابلیس با انواع معنویت علیه معنویت ناب اقدام خواهد کرد

- معنویت حماسه‌ساز و معنویت حماسه‌سوز با هم بسیار متفاوت هستند. اگر معنویت حماسه‌ساز نباشد، علیه حماسه خواهد بود، پس معنویتی که نسبت به حماسه بی تفاوت باشد نخواهیم داشت. معنویت حماسه‌ساز منجر به صلابت و شجاعت و سلحشوری و از خودگذشتگی می‌شود. **معنویت یا ظلم‌ستیزانه و مظلوم‌گرایانه و نجات‌بخش و آزادی‌بخش خواهد بود، یا علیه حماسه و صلابت و سلحشوری، کار خواهد کرد. امروزه بازار معنویت رونق گرفته است و ابلیس طبیعتاً با معنویت علیه معنویت اقدام خواهد کرد، با انواع و اقسام معنویت؛ با «معنویت‌های خارج از حوزه دین» علیه «معنویت‌های دینی»؛ با «معنویت‌های خارج از جرگه اسلام» علیه «معنویت اسلامی»؛ با «معنویت‌های خارج از ایمان به اهل بیت(ع)» علیه «معنویت اهل‌بیتی(ع)» و با «معنویت‌های اهل‌بیتی ضد‌حماسه» علیه «معنویت‌های اهل‌بیتی(ع) حماسی».**

وقتی گرایش به معنویت زیاد شود، کالای قلبی معنویت هم به بازار می‌آید/ اگر کسی با معنویت قلبی به

سمت جهنم برود، عذاب وجدان سراغش نمی‌آید که بتواند توبه کند

- اصل معنویت، امروزه مورد تقاضا است، قدرت دارد و قدرت آفرین است. معنویت علاوه بر اینکه قدرت آفرین است، می‌تواند قدرت برآمده از معنویت را بشکند. مانند معنویت تحریف شده‌ای که در مقابل معنویت ناب انقلاب اسلامی ایجاد کردند و یا شهادت‌طلبی که با عملیات انتحاری به مقابله با آن پرداختند. وقتی گرایش به معنویت زیاد شود، کالای قلبی معنویت هم به بازار می‌آید. قدرت‌طلبان دنیاطلب برای بدست آوردن قدرت می‌خواهند از معنویت سوء استفاده کنند، چون میزان تقاضای معنویت در میان مردم جهان را دیده‌اند.
- وقتی تقاضای معنویت زیاد و فراگیر شد، برای ابلیس هم ترجیح پیدا می‌کند که آدم‌ها را با معنویت به جهنم بفرستد نه با مادیات. چون اگر کسی با معنویت قلبی به سمت جهنم برود، عذاب وجدان نمی‌گیرد که توبه کند. دل او که برای خدا تنگ نمی‌شود، چون خودش را در راه خدا می‌داند.

مشکلاتی که در قرآن مطرح می‌شوند بین انواع معنویت‌هاست، نه بین معنویت و غیر معنویت

- مشکلی که در قرآن مطرح می‌شود بین انواع معنویت‌هاست، نه بین معنویت و غیر معنویت؛ در مورد پرستش دعوا بین پرستش خدا و پرستش بت است؛ مشکل بین پرستش و عدم پرستش نیست؛ مشکل قرآن بر سر دین و تکنولوژی یا دین و علم نیست. مشکل قرآن بین دین و دین است؛ دین بد و دین درست. پس اصل مبارزاتی که بین حق و باطل است، بین دین باطل و دین حق است. ولی امروزه این مشکل عمده‌تر شده است.

اختلاف بین انواع معنویت در سطح جامعه دارای شکل‌های مختلفی است

- اختلاف بین انواع معنویت در سطح جامعه، امروزه به اشکال مختلفی خود را صریح‌تر نشان می‌دهد. مثلاً در دوران دفاع مقدس کسانی که اهل حاضر شدن در جبهه نبودند، به اشکال مختلف نسبت به شهدا و رزمندگان انتقاد می‌کردند و حتی اگر در جلسه هیأتی یادی از شهدا می‌شد و به یاد آنها کمی سینه‌زنی می‌شد، با آن هم مخالفت می‌کردند. کسانی که به جبهه نمی‌رفتند، برای دفاع از معنویت خود باید به نقد جهاد و شهادت می‌پرداختند. باید به نحوی ترسیدن و به جنگ رفتن‌ها را توجیه می‌کردند؛ مثلاً بگویند: من اصلاً این کارها را صحیح نمی‌دانم. در آیه کریمه قرآن ذکر شده که وقتی دستور جهاد داده می‌شود، می‌گفتند: یا رسول الله! خانه‌های ما حفاظ ندارد. اگر اجازه بدهید ما به جهاد نیاییم «وَ إِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ يَا اَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا وَ يَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِنْهُمُ النَّبِيَّ يَقُولُونَ اِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَ مَا هِيَ بِعَوْرَةٍ اِنْ يُرِيدُونَ اِلَّا فِرَارًا (احزاب/۱۳)» عده‌ای از پیامبر اجازه می‌گیرند که به جنگ نیایند، ولی مشکل آنها این عدم امنیت خانه‌هایشان نیست، خدا آنها را لو می‌دهد که اینها دوست دارند از جنگ فرار کنند و اینطور نیست که خانه‌هایشان امنیت نداشته باشد.
- وقتی که کسی ترسید و جرأت انجام کاری را نداشت، می‌گوید: «من اصلاً این کار را از اساس قبول ندارم.» ذهن، توجیه تولید می‌کند. در زمان جنگ، مذهبی‌ترین مدرسه تهران هم با رفتن دانش‌آموزان به جبهه مخالفت می‌کرد. معنویت علیه معنویت چیزی نیست که به تازگی تجربه شده باشد. ولی از این به بعد شدیدتر و عمیق‌تر خواهد شد.
- در دهه گذشته، تبلیغات سکولاریستی علیه دین و ایمان انجام می‌شد ولی چنین تبلیغاتی از این به بعد بسیار کم و ضعیف خواهد شد و بیشتر از ایمان علیه ایمان استفاده می‌شود. هم در قرآن و در طول تاریخ بشر، و هم در بحران‌های کنونی منطقه تقابل انواع معنویت‌ها قابل مشاهده است. به علاوه عقل انسان هم حکم می‌کند که وقتی معنویت، بر قدرت تأثیرگذار است، مورد بهره‌برداری دشمن قرار خواهد گرفت. روایاتی که در مورد آخرالزمان هم نقل شده، جنس فتنه‌ها را از انواع معنویت‌های تحریف شده می‌داند.

معنویت‌های غیر اصیل بین علماء هر قومی می‌تواند باشد

- زمانی گفته می‌شد که چرا همه قرائت‌های دین را باید روحانیت و حوزه تعیین کند؟ امروزه می‌گویند چرا حرف این روحانی را گوش کنیم؟ می‌رویم حرف یک روحانی دیگر را گوش می‌کنیم. تازه به مشکلی که قرآن بیان می‌کند می‌رسیم. در قرآن کریم می‌فرماید: «تَخَذُوا اٰخْبَارَهُمْ وَ رَهْبَانَهُمْ اَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللّٰهِ (توبه/۳۱)»؛ کسانی که مقدس‌های جامعه را رهبران دینی خود قرار داده‌اند، دین خدا را تحریف کردند. فردی از امام صادق(ع) پرسید مردمی یهود که ربا می‌خورند حرف علماء خود را گوش کرده‌اند. امام صادق(ع) می‌فرماید مردم باید تشخیص می‌دادند که آیا آن عالم، آدم درستی هست که حرف او را گوش می‌کنند؟ (قَالَ رَجُلٌ لِّصَاحِبِ ع: فَاِذَا كَانَ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ مِنَ الْيَهُودِ لَا يَتَفَرَّقُونَ الْكِتَابَ اِلَّا بِمَا يَسْمَعُوْنَ مِنْ عُلَمَائِهِمْ لَا سَبِيلَ لَهُمْ اِلَىٰ غَيْرِهِ فَكَيْفَ ذَمَّهُمْ بِتَقْلِيدِهِمْ وَ التَّبَوُّلِ مِنْ عُلَمَائِهِمْ؟...؛ احتجاج طبرسی/۴/۴۵۷)

کردند. عده‌ای از همین قوم وقتی پیغمبری مخالف هوای نفس آنها عمل می‌کرد او را می‌کشتند ولی حالا طرفدار عالم دینی خود شده‌اند. اگر یک عالم دینی خوش‌سیما و خوش زبان باشد و شروع به تبلیغ معنویت تحریف شده‌ای بکند، آزمایش سختی پیش خواهد آمد. البته این ابعاد اجتماعی، مدنظر موضوع جلسه نیست و می‌خواهیم به ابعاد فردی بپردازیم.

اگر کسی معنویت حماسی نداشته باشد، چه بسا اهل گریه و حال معنوی بیشتری هم بشود

• اگر معنویتی ناب نباشد، شاخص آن این است که حماسه‌ساز نیست. آیا کسی که معنویت حماسی نداشته باشد، اهل گریه نخواهد بود؟ خیر، اینطور نیست. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «إِذَا تَمَّ فُجُورُ الْعَبْدِ مَلَكَ عَيْنِيهِ فَبَكَى مِنْهُمَا مَتَى شَاءَ؛ وَتَمَّ بِنْدَةِ خَيْبَةَ فَاجِرٍ شَوْد، مَالِكٍ چَشم‌هایش می‌شود و هر موقع اراده کند، گریه‌ای مثل ابر بهار خواهد داشت.» (میزان الحکمه ۱۷۵۲، کنز العمال ۸۴۷/۸) غدد چشمی او در اختیار فسق و فجورش قرار می‌گیرد. آدم معمولی گاهی گریه‌اش می‌آید و گاهی نمی‌آید؛ ولی چنین فردی اراده گریه‌اش، دست خودش است. البته بعضی‌ها هم هستند که واقعا عاشق‌اند و مدام گریه می‌کنند، اینها را نباید جزء گروه قبلی دانست ولی این خط‌کشی‌ها ظریف است.

معنویت قلبی چگونه تبدیل به معنویت حماسه‌سوز می‌شود؟

• معنویت چه ارتباطی به حماسه دارد؟ این روایت که روایت بسیار ویژه‌ای است، پاسخ این سؤال را می‌دهد. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: أَقْسِمُ بِاللَّهِ لَسَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص يَقُولُ إِنَّ الشَّيْطَانَ إِذَا حَمَلَ قَوْمًا عَلَى الْفَوَاحِشِ مِثْلَ الزَّانَا وَ شَرِبَ الْخَمْرِ وَ الرِّبَا وَ مَا أَشْبَهَ ذَلِكَ مِنَ الْخَنَا وَ الْمَأْتِمِ حَبَّبَ إِلَيْهِمُ الْعِبَادَةَ الشَّدِيدَةَ وَ الْخُشُوعَ وَ الرُّكُوعَ وَ الْخُضُوعَ وَ السُّجُودَ ثُمَّ حَمَلَهُمْ عَلَى وَايَةِ الْأَيْمَةِ الَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنْصَرُونَ» (مستدرک الوسائل ۹۵/۴) وقتی شیطان قومی را وادار به انواع فحشا مثل زنا، شرب خمر و ربا کند، فردی که درگیر فواحش و این نوع گناهان می‌شود، بعد می‌گوید اتفاقاً من عبادت را خیلی دوست دارم. مرحله بعد از این گناهان، معنویت قلبی است. به همین دلیل باید معنویت قلبی را معنویت حماسه‌سوز دانست. بعد اینها را تحت ولایت طاغوت می‌برد. معنویت قلبی و تحریف شده، فرد را در اختیار قدرت‌هایی قرار می‌دهد که ظلم و فساد می‌کنند. آن قدرت‌ها هم می‌دانند که باید سر چه کسانی را ببرند. معنویت تحریف شده، خود به خود سیاسی می‌شود.

معنویت حماسه‌سوز روزی در مقابل امام زمان (عج) خواهد ایستاد/ معنویت ناب از معنویت قلبی

جلوگیری می‌کند

• به همین دلیل باید گفت دو نوع معنویت داریم: یکی معنویت ناب که معنویت حماسی است و ضد ظلم و استکبار است و از ولی خدا دفاع می‌کند و اهل این معنویت، یاران صادق امام زمان (عج) می‌شوند. و یک معنویت دیگر حماسه‌سوز است که روزی هم در مقابل امام زمان (عج) خواهد ایستاد. از عدم عاقبت به‌خیری باید ترسید. ما چه تضمینی داریم که چنین خطری ما را تهدید نکند؟ برای ترس از عدم عاقبت به‌خیری با این نوع معنویت‌ها، به ترس‌های حضرت علی (ع) در درگاه خدا نگاهی داشته باشیم. این ترس نباید از دل ما برطرف باشد.

• علاوه بر انحراف‌های شدید از معنویت ناب، گاهی انحراف‌های کوچک از معنویت هم وجود دارد. امیرالمؤمنین (ع) جوانی را دیدند که رنگ از رویش پریده بود. حال او را پرسیدند، گفت از ترس خدا اینطور شده‌ام، حضرت فرمودند خب گناه نکن، نترس. (نظر امیر المؤمنین علی علیه السلام إلى رجلی قرأی أثر الخوف عليه...؛ میزان الحکمه، ۵۴۵۸) اینطور نیست که هر ترسی یا هر اشکی یا هر

حال خوش معنوی قیمت داشته باشد. سراغ معنویت ناب برویم. معنویت ناب از معنویت قلبی جلوگیری می‌کند. معنویت قلبی درجات قوی و ضعیف دارد. هر لحظه از خدا بخواهیم که همان جایی در معنویت باشیم که لازم است باشیم.

معنویت اصیل داشته باشی انقلابی می‌شوی/معنویت اصیل با زجرهایی همراه است

• در مقابل معنویت قلبی که فرد را به خدمت به ولایت طاغوت می‌کشاند، اگر کسی معنویت ناب داشته باشد، انقلابی می‌شود، در راه انقلاب زجر می‌کشد و بیشتر از همه، خود انقلابی‌ها تو را اذیت خواهند کرد. اگر کسی می‌خواهد بعد از مدتی انقلابی بودن، بعداً آن طرفی باشد، از همین اول انقلابی نشود بهتر است. آیا یاران ابعبدالله (ع) هم که انقلابی بودند، از طرف دیگر یاران حضرت اذیت می‌شدند؟ خیر؛ چون کربلا استثنا است. آن جمع خالص و خلص را با هیچ جمع دیگری نباید مقایسه کرد. حتی شهدای ما را هم با شهدای کربلا نمی‌توان مقایسه کرد، چه رسد به اینکه افراد انقلابی و زنده را بخواهیم با شهدای کربلا مقایسه کنیم. همیشه از بین انقلابیون، ضد انقلاب‌های خاصی تولید می‌شوند که حد و حساب ندارند. امام صادق (ع) می‌فرماید: همیشه خداوند متعال به سبب شیطان در کنار ما اهل بیت (ع) کسانی را -که شاید از سادات باشند- در کنار ما به اعتبار ما بزرگ می‌کند و اعتبار می‌بخشد که بعداً منحرف می‌شوند و بواسطه انحراف آنها خیلی از مردم دچار امتحان می‌شوند. هر کدام از اینها که از دنیا می‌روند، خداوند فرد دیگری را جای او می‌گذارد. (یا ابن النُّعْمَانِ إِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ لَا يَزَالُ الشَّيْطَانُ يُدْخِلُ فِيْنَا مَنْ لَيْسَ مِنَّا وَ لَا مِنْ أَهْلِ دِينِنَا فَيَدَا رَفَعَهُ وَ نَظَرَ إِلَيْهِ النَّاسُ أَمْرَهُ الشَّيْطَانُ فَيَكْذِبُ عَلَيْنَا وَ كَلَّمَاهُ وَ أَحَدٌ جَاءَ آخِرُ تَحْفِ الْعُقُولِ ۳۰۹) بعضی از اطرافیان ائمه (ع) منحرف می‌شوند تا مردم امتحان شوند، آن وقت شما توقع دارید انقلابیون خراب نشوند؟

• بعد از این روایات، دیگر هر نوع معنویتی را نباید تحویل بگیریم. هر کس روحیه معنویتی ناب داشته باشد، از جلسه روضه که خارج می‌شود، از او تشکر خواهند کرد، ولی ما ظرفیت این تشکر را نداریم، چون ممکن است دچار عجب و غرور شویم و خراب شویم. اگر امام حسین (ع) صریحاً به ابوالفضل العباس (ع) می‌فرماید: «فدايت بشوم داداشم؛ بنفسی أنت يا أخی!» چون می‌داند ظرفیت و معنویت ناب عباس (ع) خیلی بالاتر از این حرف‌ها است. عباس (ع) ظرفیت این کلام را دارد. او ظرفیت داشت که این همه محبت می‌دید. اگر ترس از عاقبت به‌خیری از دل ما بیرون نرود، ما را هم تحویل می‌گیرند، چون آنها دوست دارند ابراز محبت کنند. محبت امام به ما، از محبت مادر به ما بیشتر است...

